بسم الله الرحمن الرحیم

حیات فرهنگی و اجتماعی شیعیان در قرون متقدم اسلامی
در پرتو رجال کشّی

حسین محسنی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
پاییز ۱۴۰۴

محسنی، حسین، ۱۳۷۳ ـ
حیات فرهنگی و اجتماعی شیعیان در قرون متقدم اسلامی در پرتو رجال کشی/ حسین محسنی. ـ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴.
هفت، ۱۷۴ص. ـ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۹۹؛ تاریخ اسلام: ۱۶۹)
بها: ۲۳۵۰۰۰۰ریال ISBN:978-600-298-594-1
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتاب حاضر برگرفته از کتاب "اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی" تألیف محمدبن‌عمر کشی است.
کتابنامه: ص.[۱۵۵] ـ ۱۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. شیعه امامیه--تاریخ. ۲. *Imamite Shi'ah -- History. ۳. شیعیان--وضع اجتماعی. ۴. Shiites -- Social conditions.
۵. شیعیان--زندگی فرهنگی. ۶. Shiites -- Intellectual life. ۷. شیعه امامیه--عقاید. ۸. *Imamite Shi'ah -- Doctrines.
۹. محدثان شیعه. ۱۰. Hadith (Shiites) -- Authorities. ۱۱. حدیث--علم‌الرجال. ۱۲. Hadith -- *Ilm al-Rijal.
الف. کشی، محمدبن‌عمر، قرن ۴ق. اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
BP۲۳۹/۲ ۲۹۷/۵۳۲
شماره کتابشناسی ملی ۱۰۳۰۴۵۰۶

حیات فرهنگی و اجتماعی شیعیان در قرون متقدم اسلامی در پرتو رجال کشّی

مؤلف: حسین محسنی
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه
چاپ اول: پاییز ۱۴۰۴
تعداد: ۱۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم-سبحان
قیمت: ۲۳۵۰۰۰ تومان
شابک: ۱-۵۹۴-۲۹۸-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰-۰۲۵
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ.۳۱۵۱-۳۷۱۸۵
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن : ۶-۳۷۸۴۲۶۳۵-۰۲۵

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمه‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۹۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع پژوهشی برای استادان و دانشجویان رشته تاریخ اسلام و تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام در مقاطع مختلف و نیز علاقه‌مندان به مطالعات تاریخ اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام فراهم شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعهٔ دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه برخود لازم می‌داند از زحمات مؤلف محترم اثر، آقای حسین محسنی، و نیز از ارزیاب گرامی، حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محسن الویری سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

دیباچه..... ۱

فصل اول: کلیات پژوهش

۱. طرح مسئلهٔ تحقیق..... ۵
۲. ضرورت و اهمیت..... ۶
۳. چارچوب مفهومی..... ۶
۴. پرسش‌های تحقیق..... ۱۰
۵. هدف از این تحقیق..... ۱۱
۶. پیشینهٔ تحقیق..... ۱۱
۷. آشنایی با ابوعمرو کشّی و کتاب الرجال وی..... ۱۳
۷-۱. شناخت‌نامه ابوعمرو کشی..... ۱۳
۷-۱-۱. منطقهٔ جغرافیایی«کَشّ»..... ۱۵
۷-۱-۲. شخصیت و حیات علمی..... ۱۷
۷-۱-۲-۱. مشایخ ابوعمرو کشّی..... ۱۷
۷-۱-۲-۲. شاگردان ابوعمرو کشّی..... ۲۳
۷-۱-۲-۳. تعامل‌های علمی و فرهنگی جامعهٔ نخبگانی شیعه در ورارود با تمرکز بر ابوعمرو کشّی..... ۲۴
۷-۱-۲-۴. آثار ابوعمرو کشّی..... ۳۱
۷-۲. کتاب اختیار الرجال مشهور به رجال کشّی..... ۳۲
۷-۲-۱. تاریخچهٔ رجال‌نویسی شیعه و کارکرد آن در تاریخ اجتماعی..... ۳۲
۷-۲-۲. منابع رجال کشّی..... ۳۴
۷-۲-۳. از الرجال تا إختیار معرفة الرجال..... ۳۶
۷-۲-۴. معیار گزینش شیخ طوسی از کتاب الرجال کشّی..... ۳۷

فصل دوم: تعاملات اجتماعی و فرهنگی امامیه با جریان‌های منشعب از آن

۲-۱. اهل غلو ۴۱
۲-۱-۱. تعاملات امامیه و مغیریه ۴۲
۲-۱-۲. تعاملات امامیه و خطابیه ۴۷
۲-۲. فطحیه ۵۵
تعاملات امامیه و فطحیه ۵۹
۲-۳. واقفیه ۶۲
۳-۲-۱. زمینه‌های گرایش جامعهٔ شیعه به مسئلهٔ وقف ۶۳
۳-۲-۱-۱. شرایط سیاسی حاکم در عصر زندگانی امام کاظم علیه‌السلام ۶۴
۳-۲-۱-۲. زمینه‌های اعتقادی در بروز اندیشهٔ وقف ۶۶
۳-۲-۱-۳. جایگاه بنیان‌گذاران واقفیه در تقویت اندیشهٔ وقف ۶۷
۳-۲-۲. تعاملات اصحاب امامیه و واقفه ۷۱

فصل سوم: علم و آموزش

۳-۱. تعلیم و تربیت در نظام اجتماعی امامیه ۷۵
۳-۱-۱. جایگاه أخذ حدیث در جامعهٔ شیعه ۷۵
۳-۱-۲. اماکن علمی شیعیان ۷۸
۳-۱-۳. شبکهٔ انتقال میراث حدیثی شیعه ۸۰
۳-۱-۳-۱. درس گرفتن نگاشته‌های حدیثی از نگارندگان ۸۱
۳-۱-۳-۲. راهکار اصحاب در پالایش احادیث از جعل و تحریف ۸۲
۳-۱-۳-۲-۱. رجوع به امام علیه‌السلام و اصحاب مورد اعتماد برای دریافت آموزه‌های دینی ۸۲
۳-۱-۳-۲-۲. رجوع به امام و اصحاب مورد اعتماد برای عرضهٔ احادیث مشکوک ۸۳
۳-۱-۳-۳. برخورد جامعهٔ نخبگانی شیعه با راویان مراسیل و ضعفاء ۸۵
۳-۱-۳-۴. اصحاب اجماع به مثابهٔ شبکهٔ فقیهان مورد وثوق در جامعهٔ نخبگانی شیعه ۸۷
۳-۲. طیف‌شناسی آثار نخبگان شیعه ۹۱

فصل چهارم: زندگی روزانه

۴-۱. اصناف و مشاغل ۱۰۰
۴-۱-۱. نقش رهبران شیعه علیهم‌السلام و سازمان وکالت در مسائل اقتصادی شیعیان ۱۰۲
۴-۱-۲. گونه‌شناسی مشاغل شیعیان ۱۰۴
۴-۲. حیات دینی و عبادی ۱۱۵
۴-۲-۱. امامت، محور اصلی حیات دینی شیعه ۱۱۵
۴-۲-۱-۱. ارتباط حضوری ۱۱۶
۴-۲-۱-۲. ارتباط غیر حضوری ۱۱۷
۴-۲-۲. حیات عبادی شیعه ۱۱۸

۴-۲-۲-۱. ورع، زهد و کثرت عبادت ۱۱۸
۴-۲-۲-۲. انس با قرآن ۱۲۰
۴-۲-۲-۳. حج و عمره ۱۲۲
۴-۲-۲-۴. زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ۱۲۴
۴-۲-۲-۵. عزاداری و مرثیه‌سرایی ۱۲۶
۴-۲-۲-۶. آداب تدفین و سایر امور مرتبط با اموات ۱۲۷
۴-۲-۲-۶-۱. زمان احتضار ۱۲۷
۴-۲-۲-۶-۲. اظهار اندوه و طلب رحمت برای مردگان ۱۲۹
۴-۲-۲-۶-۳. غسل میّت ۱۳۰
۴-۲-۲-۶-۴. نماز میت ۱۳۱
۴-۲-۲-۶-۵. تشییع جنازه ۱۳۲
۴-۲-۲-۶-۶. محل دفن ۱۳۲
۴-۲-۲-۶-۷. زیارت قبور ۱۳۳
۴-۳. حیات سیاسی ۱۳۴
۴-۳-۱. ارتباط با حاکمان ۱۳۴
۴-۳-۲. قیام علیه حکومت ۱۳۶
۴-۳-۳. مصائب شیعه بودن ۱۴۰
۴-۴. جنبه‌های شخصی زندگی روزانه ۱۴۶
۴-۴-۱. پوشش و آرایش ظاهری ۱۴۶
۴-۴-۲. ازدواج و خانواده ۱۴۹
۴-۴-۳. رفاقت و مصاحبت ۱۵۱
۴-۴-۴. تفریح و سرگرمی ۱۵۲
منابع و مآخذ ۱۵۵
کتاب‌ها ۱۵۵
مقاله‌ها ۱۶۲
پایان‌نامه‌ها ۱۶۴
نمایه اشخاص ۱۶۵

دیباچه

شالودهٔ سنت تاریخ‌نگاری مسلمانان و دیگر جوامع تمدنی متقدم، تمرکز بر ثبت جنبه‌های گوناگون از فراز و فرود حکومت‌ها و چگونگی بود و باش جریان فرادستان بود. از سدهٔ نوزدهم میلادی، با تولد رویکردهای نوین تاریخ‌نگاری که مولود تعامل میان علوم اجتماعی و تاریخ بودند، دغدغهٔ اجتماعی‌نگری وسیع‌تر در تحلیل‌های تاریخی به تغییر تمرکز مورخّان از تاریخ فرادستان به تاریخ فرودستان منجر شد. در این افق نو، مورخّان به دور از هیاهوی جریان‌های حاکم، به بازیابی ابعاد گوناگون از تاریخ زندگی‌ها و چگونگی بود و باش مردمان در حیات روزمرهٔشان توجه کردند.

در پژوهش‌های تاریخ اسلام، یکی از عرصه‌هایی که کمتر بدان پرداخته شده، حیات اجتماعی و فرهنگی شیعیان در سده‌های متقدم اسلامی است. کمبود تحقیقات در این زمینه بیش از هر چیز ناشی از سکوت منابع به دلیل فشارهای سازمان‌یافته حکومت‌های وقت بود که به نهان‌زیستی شیعیان و حذف بخش مهمی از تجربهٔ زیستهٔ آنان انجامید.

با این حال، در میان متون کهن شیعی، به‌ویژه آثار رجالی و تراجم، بازتاب‌هایی از زیست اجتماعی و فرهنگی شیعیان وجود دارد. این آثار هرچند با هدف اصلی ارزیابی وثاقت راویان و معرفی چهره‌های علمی نگاشته شده‌اند؛ اما ناخواسته در لابه‌لای گزارش‌های خود، اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ سبک زندگی، روابط اجتماعی و فضای فرهنگی آنان به دست داده‌اند. همین داده‌های پراکنده می‌تواند نقطه عزیمت مهمی برای بازخوانی تاریخ فرهنگی و اجتماعی شیعه در سده‌های نخست هجری باشد.

در میان منابع کهن شیعه، رجال کشّی به دلیل ساختار گزارش‌محور خود، فراتر از کارکرد

اولیهٔ یک اثر رجالی، امکان بازسازی بخشی از تاریخ اجتماعی و فرهنگی شیعیان در سده‌های نخست را فراهم می‌سازد. همچنین این اثر در مقایسه با منابع پسینی، به دلیل هم‌زمانی نسبیِ مؤلف با عصر حضور رهبران شیعه‌علیهم‌السلام در جامعهٔ اسلامی، تصویری زنده‌تر و دست‌اول‌تر از هویت فرهنگی و اجتماعی جامعهٔ شیعه را ارائه می‌کند؛ تصویری که در شناخت و درک عمیقِ فراز و فرود تاریخی آنان اهمیت بسزایی دارد.

براساس داده‌های رجال کشّی، جستار پیشرو در چهار فصل سامان یافته‌است. فصل نخست کتاب، پس از ارائهٔ کلیات پژوهش، به نقد بیرونی و درونی رجال کشّی اختصاص یافته‌است. در این فصل، خوانندهٔ با شخصیت مؤلف، اساتید و شاگردانش و همچنین گرایش‌های کلامی و حدیثی وی آشنا می‌شود. افزون بر این در گام بعد، تبار این اثر رجالی و چگونگی تلخیص آن از سوی شیخ طوسی(د: ۴۶۰هـ) بررسی شده‌است.

فصل دوم به بررسی روابط فرهنگی و اجتماعی امامیه با فرقه‌های منشعب از آن، همچون غالیان، فطحیه و واقفه اختصاص یافته‌است. در این فصل، همگرایی‌ها و واگرایی‌های میان جریان‌های مختلف منشعب از امامیه منعکس شده است.

فصل سوم، موضوع علم و آموزش در سنت علمی امامیان را مورد توجه قرار می‌دهد. در این فصل، نظام تعلیم و تربیت، اماکن علمی و شبکهٔ انتقال میراث حدیثی شیعه توصیف شده است.

فصل چهارم به ابعادی از زندگی روزانهٔ شیعیان اختصاص دارد. در بخش نخست این فصل، اصناف و مشاغل شیعیان بررسی شده‌اند. بخش دوم، حیات دینی و برخی جنبه‌های حیات عبادی شیعیان، همچون ورع و زهد، کثرت عبادت، انس با قرآن، حج و عمره، زیارت مشاهد مشرفه، عزاداری و مرثیه‌سرایی و برخی آداب مرتبط با تدفین، مورد بررسی قرار گرفته‌است. در بخش سوم، حیات سیاسی شیعیان در سه حوزهٔ ارتباط با حاکمان، قیام علیه حکومت و مصائب شیعه‌بودن بررسی شده‌است. بخش پایانی این فصل به جنبه‌های شخصی زندگی روزمره شیعیان، شامل پوشش و آرایش ظاهری، ازدواج و خانواده، رفاقت و مصاحبت و تفریح و سرگرمی اختصاص یافته‌است.

در نهایت، بر خود لازم می‌دانم از اساتید بزرگوارم، جناب آقای دکتر صیامیان گرجی و جناب آقای دکتر طاووسی مسرور، که با راهنمایی‌های بی‌دریغشان در رفع کاستی‌های این اثر

نهایت همراهی را مبذول داشتند، صمیمانه قدردانی نمایم. از ارزیاب محترم، جناب آقای دکتر الویری، که با مطالعهٔ دقیق این پژوهش نکات ارزشمندی را یادآور شدند، سپاسگزارم. همچنین از حجةالاسلام و المسلمین محمدی مدیر سابق گروه تاریخ و حجةالاسلام والمسلمین مرادی‌نسب، مدیر محترم گروه تاریخ، حجةالاسلام والمسلمین بهراملو کارشناس وقت گروه تاریخ و جناب آقای یارمحمدی، رئیس اداره پشتیبانی پژوهشکده علوم اسلامی که ویرایش این اثر را نیز برعهده داشته‌اند و همچنین آقای دکتر اسلامی رئیس‌اداره آماده سازی پژوهشگاه که با همراهی‌های خود برای انتشار این اثر بر اینجانب منت نهاده‌اند، کمال تشکر و قدردرانی را دارم.

بی‌گمان نوشتار حاضر از کاستی و نقصان مصون نیست. امید است اساتید و صاحب‌نظران ارجمند با رهنمودهای خویش نگارنده را از لغزش‌ها آگاه سازند و از دانش خود بی‌بهره نگذارند.

حسین محسنی

فصل اول

کلیات پژوهش

۱. طرح مسئلهٔ تحقیق

تاریخ اجتماعی دانشی است که در آن، اشکال متنوع روابط اجتماعی در بستر زمان مطالعه می‌شود. گسترش تاریخ‌نگاری با رویکرد از پایین عمدتاً برخاسته از دغدغهٔ اجتماعی‌نگری وسیع‌تر است. با نگاه تاریخ از پایین، پژوهشگر به مسائل فرودستان جامعه در ابعاد مختلف حیات اجتماعی می‌پردازد و به دور از هیاهوی جریان‌های حاکم، کنش‌های یک گروه، جمعیت یا طبقهٔ اجتماعی را تبیین می‌کند.

در قرن‌های نخستین اسلامی نسبت به تاریخ اجتماعی و فرهنگی شیعیان اطلاعات زیادی در دست نیست؛ مخالفت حاکمان با شیعیان و سرکوب‌های سازمان‌یافته، موجب شد تا از شیوه زندگی آنان، به‌ویژه در سده‌های نخست، منابع محدودی در اختیار باشد. با این حال، هنوز می‌توان با استفاده از متون کهن، زوایایی از حیات فرهنگی و اجتماعی شیعیان را بازیابی کرد. این داده‌ها درواقع بازتاب‌هایی از حیات فکری و زیست دنیوی آنان به شمار می‌روند.

یکی از مهم‌ترینِ این منابع، بازمانده‌ای از کتاب الرجال محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشّی (د: حدود ربع نخست سدهٔ چهارم هجری) است که از نخستین متون رجالی شیعه محسوب می‌شود و دربردارندهٔ بخشی از داده‌های تاریخی دربارهٔ زندگانی راویان و نخبگان شیعه‌است. براساس اطلاعات موجود در این اثر، می‌توان تصویری از حیات فرهنگی و اجتماعی شیعیان، به‌ویژه راویان و نخبگان امامیه و نیز تعاملات درون‌گروهی و برون‌گروهی آنان را به دست آورد. با وجود اهمیت تاریخی و تقدم زمانی تألیف این اثر، تاکنون پژوهشی دربارهٔ فواید آن به‌ویژه در زمینهٔ تاریخ فرهنگی و اجتماعی شیعه صورت نگرفته‌است.

با وجود خلأ پژوهشی در زمینهٔ تاریخ اجتماعی شیعه و اهمیت شناخت مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی این مذهب در سده‌های نخست هجری، بازماندهٔ کتاب الرجال کشّی می‌تواند گزارش‌هایی ارزشمند از شیوهٔ زیست این جامعه و روابط آن در حوزه‌های گوناگون سیاسی، دینی، عبادی، آموزشی، نشر علوم، و نیز اطلاعات فرقه‌ای ارائه دهد. این اثر از مهم‌ترین منابع بازتاب‌دهنده گفتمان دینی امامیه در دورهٔ متقدم است که از خلال گزاره‌های آن می‌توان به تأثیرات اجتماعی جریان‌های فرقه‌ای بر بدنهٔ جامعه شیعه پی برد. براساس داده‌های این کتاب، بازسازی تاریخ اجتماعی و فرهنگی نخبگان شیعی در قرن‌های نخست اسلامی، مسئلهٔ اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۲. ضرورت و اهمیت

با وجود اهمیت فراوان گزارش‌های تاریخی بازماندهٔ کتاب الرجال کشّی که از سوی شیخ طوسی (د: ۴۶۰هـ) گزینش شده؛ تاکنون پژوهش جامع و دقیقی نسبت به فواید تاریخی این اثر در زمینهٔ تاریخ تشیّع به‌ویژه حیات فرهنگی و اجتماعی شیعه صورت نگرفته‌است. رجال کشّی، پس از رجال برقی، دومین اثر رجالی متقدم شیعه‌است که درحال حاضر در دسترس قرار دارد. از مهم‌ترین امتیازات این اثر، گسترهٔ زمانی روایت‌های آن است که از دوران پس از شهادت رسول خداﷺ تا سال‌های پایانی عصر غیبت صغرای امام مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را شامل می‌شود.

در سنت تاریخ‌نگاری کلاسیک، توجه عمده بر تاریخ سیاسی معطوف شده و تاریخ اجتماعی، که انعکاسی از لایه‌های زیرین حیات جوامع و چگونگی بود و باش آنان را دربر می‌گیرد، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. پژوهش حاضر، بر آن است تا با رویکردی نوین، این خلأ را جبران کرده و تلاشی برای بازخوانی و بازیابی حیات فرهنگی و اجتماعی شیعیان متقدم کند.

۳. چارچوب مفهومی

تاریخ اجتماعی،[1] به‌عنوان شاخه‌ای نوین از دانش تاریخ، بر مطالعهٔ زندگی مردم عادی، ساختارهای اجتماعی و تحولات زیستی آنان در بسترهای متنوع تاریخی متمرکز است .

1. Social History

موضوع «تاریخ اجتماعی» عمدتاً توده‌های بزرگ مردم (یا جمعیت) است و مقوله‌های اجتماعی که این جمعیت‌ها را می‌سازند. اصطلاح «جمعیت» ممکن است به یک جامعهٔ کامل، دسته‌ای از جامعه‌ها، یک امپراتوری، یک تمدن، بخش بزرگی از مردم در یک جامعه، جماعتی محلی، یک نهاد و مانند اینها دلالت کند.[۱] تاریخ اجتماعی به‌عنوان یک گرایش جدید، به حوزه‌های مختلف زندگی انسان گذشته اهمیت داده و به مطالعهٔ ساختار، فرآیند و برآیند کنش‌های آدمیان می‌پردازد. پس از توجه بیش از حد به تاریخ‌نگاری با رویکرد سیاسی و سیاست‌اندیشانه، که در برگیرندهٔ تاریخ فرادستان و حکومت‌گران بود؛ این گرایش، به تاریخ فرودستان و نقش اجتماعیِ آنان توجه کرده‌است.[۲] از جمله ویژگی‌های تاریخ اجتماعی «اکنون زدگی» آن بوده‌است، یا اصرار آن بر این باور که شرایط کنونی است که به تاریخ موضوعیت می‌بخشد. گسترش شاخهٔ تاریخ از پایین عمدتاً نتیجهٔ همین دغدغهٔ اجتماعی‌نگری وسیع‌تر بوده‌است.[۳]

تاریخ اجتماعی تعریف و تحدید معینی ندارد و اختلاف آرای فراوانی بر دایرهٔ شمول، ماهیت، مبانی و خاستگاه آن وجود دارد. شاید از جمله بهترین تعاریف نسبت به موضوع تاریخ اجتماعی، تعریف کریستوفر کُنراد باشد:

> «اصطلاح تاریخ اجتماعی از یک سو به رشته‌ای فرعی از علوم تاریخی اشاره دارد و از سوی دیگر حاکی از رویکردی عام به تاریخی است که به طور کلی معطوف به اجتماع است. به نظر بهترین روش تعریف تاریخ اجتماعی آن است که: این رشته می‌خواهد «چه نباشد» یا می‌خواهد مخالف چه چیزی باشد که قرار است خود را همچون جانشین آن مطرح کند. تاریخ اجتماعی از یک سو خود را از تاریخ سیاسی متمایز می‌سازد که در بیشتر طول قرن نوزدهم و بیستم رویکرد غالب در تاریخ‌نگاری بود. در نتیجه، واژهٔ «اجتماعی» در تاریخ اجتماعی به معنای توجه به ساختارهای جامعه و تحول و تغییر اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی، گروه‌ها و طبقات، شرایط کاری و سبک‌های زندگی، خانواده‌ها، خاندان‌ها، جوامع محلی، شهری شدن، تحرک اجتماعی، گروه‌های قومی و امثال اینها است. از سوی دیگر تاریخ اجتماعی به‌عنوان هسته محوری‌ای که تطبیق و شناخت جهان معاصر باید حول آن سامان یابد، روایت‌های تاریخی غالب را (که برعکس) حول تاریخ سیاست و حکومت یا حول تاریخ عقاید شکل گرفته‌اند به چالش می‌کشد.»[۴]

---

۱. فربرن، تاریخ اجتماعی: مسائل، راهبردها و روش‌ها، ص۲۱.
۲. برک، انقلاب تاریخ‌نگاری فرانسه، ۸۹-۱۹۲۹، ص۱۷-۲۲.
۳. مک‌رایلد و تیلور، نظریه اجتماعی و تاریخ اجتماعی، ص۱۴.
۴. رک: مقالهٔ کنراد، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، به کوشش موسی‌پور بشلی و باسط.

مراد از تاریخ اجتماعی در این پژوهش بر اساس نگاه «مکتب آنال»،[1] به تاریخ اجتماعی است. مکتب تاریخی آنال در فرانسه شکل گرفت و نامش برگرفته از عنوان نشریه‌ای است که لوسین فور[2] (د: ۱۹۵۶م) و مارک بلوخ[3] (د: ۱۹۳۶م) در سال ۱۹۲۹میلادی آن‌را تاسیس کردند.[4] این مکتب، توسط فرنان برودل تداوم یافت و به تعبیر بهتر استوار گردید.[5]

برخلاف تاریخ‌نگاری انگلیسی که به تاریخ سیاسی توجه داشت، مکتب آنال در تاریخ‌نگاری، مناسبات اجتماعی را در اولویت قرار داد. در تاریخ‌نگاری جدید که مکتب آنال نمایندهٔ اصلی آن بود، از یک جانبه‌نگری عمدتاً سیاسی در روایت و تحلیل پدیدارها و رویدادهای تاریخی خودداری شده و مورّخ تلاش می‌کرد پدیدارها و رویدادهای تاریخی را به مثابهٔ امری چند سویه بررسی کند و از فروکاستن ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و عاطفی به نفع بُعد سیاسی ماجرا بپرهیزد.[6] بررسی مورّخ پیروِ مکتب آنال، یک بررسی چندجانبه بود و هرگز رابطهٔ محضِ علّی و معلولی را به صورت خطی، به این معنا که الف علت ب است، نمی‌پذیرفت. بلکه همواره در جستجویِ شبکهٔ درهم‌تنیده‌ای از علت‌ها بود و اگر شواهدی را پیدا می‌کرد، سعی داشت تا نقش هر یک از اجزای تشکیل دهندهٔ این شبکه را در بُروز یک رویداد مشخص کند.[7]

بنا بر نگاه مکتب آنال، در تاریخ اجتماعی فعالیت اجتماعی انسان‌ها یعنی زندگی و «بود و باش» تمام مردم و نه لزوما طبقات فرودست، مورد بررسی قرار می‌گیرد.[8] از این رو تاریخ اجتماعی، تاریخ اقتصادی را نیز شامل می‌شود، زیرا سیاق معیشت مردمان نیز بخشی از زندگی مردم است.[9] به علاوه با رویکرد فوق، تاریخ اجتماعی «تاریخ فرهنگ» را نیز دربر می‌گیرد؛

---

1. Annales School
2. Lucien Febvre
3. Marc Bloch

۴. برای آشنایی بیشتر با این دو مورخ نک: برک، انقلاب تاریخ‌نگاری فرانسه، ۸۹-۱۹۲۹، ص۴۳-۶۴.
۵. همان.
۶. برای آشنایی با پژوهشی ازاین جنس در تاریخ اجتماعی مسلمانان، رک: روزنتال، مطالعه تاریخ فکری و اجتماعی مسلمانان، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، به کوشش موسی پور بشلی و باسط.
۷. نک: فربرن، تاریخ اجتماعی: مسائل، راهبردها و روش‌ها، ص۱۱۹-۱۵۱: ب مسئلهٔ تعیین علت‌های مهم.
۸. رحمانیان، «پیدایش تاریخ اجتماعی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص۵.
۹. اتابکی، «مورخان و تاریخ اجتماعی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص۸.

زیرا تاریخ فرهنگ همان تاریخ نخبگان و دستاوردهای آنان است.[۱] در واقع نخبگـان جامعـه در کنار عوام، گروهی از عامهٔ مردم هستند و از این‌رو در محدودهٔ تاریخ اجتماعی آنالی می‌گنجند. براین‌اساس، اینکه بخشی از پژوهش حاضر به بررسی تاریخ تعلـیم و تربیـت شـیعه اختصـاص یافته نه تنها توجیه می‌شود، بلکـه بـدون بررسـی ایـن بخـش، اساسـاً تصـویر کـاملی از تـاریخ اجتماعی شیعه به دست نخواهد آمد.

پژوهش تاریخی در «زندگی روزانه»[۲] از دستاوردهای مکتب آنال است. «زندگی روزانه» بـه تمام ابعادی از زندگی باز می‌گردد که روزانه یا منظم تکرار می‌شود. برخی از ابعاد زندگی روزانه عبارت است از: خانه، پوشش، غذا خوردن، روابط جنسی، رفتارهای دینی، خرافات، تفریحـات و غیره.[۳] به‌عنوان نمونه، برودل در کتاب سرمایه‌داری و حیات مادی ۱۴۰۰-۱۸۰۰م،[۴] به تفصیل به مقولاتی مانند نان روزانه (گندم و غلات، برنج و ذرت)، غذا و نوشیدنی، لبـاس، مُـد و خانـه پرداخته‌است.[۵]

مقوله‌بندی‌های متفاوتی در تاریخ اجتماعی وجود دارد. در پـژوهش حاضـر، نگـاه ابـراهیم موسی‌پور بشلی به تاریخ اجتماعی مبنا قرار گرفته‌است؛ همچنین بـه دلیـل مشـابهت در برخـی محتواهای رجال‌نویسان، تبویب این جستار از رسالهٔ دکتری سعید طاووسی مسرور الهام گرفتـه شده‌است. موسی‌پور در تعریف تاریخ اجتماعی و مقوله‌بندی آن می‌نویسد:

> «تاریخ اجتماعی عبارت است از جمع‌آوری دقیق و جامع داده‌های ممکن دربارهٔ روابـط مـردم بـا مردم، با دولت و حکومت، با زیست مادی و معنوی‌شان در ادوار مختلف تاریخی و تلاش بـرای تحلیل و تبیین آنها در چارچوب‌های علی و معلولی. حوزهٔ نخست یعنی روابط مـردم بـا مـردم در واقع دربردارندهٔ مجموعهٔ اجزا و عناصر تشکیل‌دهندهٔ زندگی روزانه مردم در دورهٔ تـاریخی مـورد پژوهش یا سیر آن در ادوار معیّن تاریخی است. در این بخش به انواع خوراک، نحـوهٔ فـرآوری و تولیـد غـذاها، سـرگرمی، مسـابقات و ورزش‌هـا، ادوات، اشـیاء و ابزارهـای کـار و اشـیای مـورد

---

۱. نک: حیدری نیا، «درآمدی بر تاریخ فرهنگی جدید»، تاریخ فرهنگی جدید، ص۱۲-۱۴.

2. Everyday Life

۳. نک: مقالهٔ آلن کنفینو، تاریخ اجتماعی: دانـش، روش، آمـوزش، بـه کوشـش موسـی‌پـور بشـلی و باسـط، ص۱۷۰-۱۷۱.

4. Capitalism and material life, 1400-1800.

۵. نک: برودل، سرمایه داری و حیات مادی ۱۸۰۰-۱۴۰۰، ص۱۹۷-۳۲۹.

استفاده روزانه، زیور آلات و لوازم آرایش و غیره پرداخته می‌شود. حوزهٔ دوم، یعنی روابط مردم با دولت و حکومت که شامل سازمان‌ها و تشکیلات اداری و مالی و به اصطلاح دیوانسالاری و نیز تشکیلات و نهادهای نظامی و انتظامی، مثلا نظام قضایی، پلیس *احسبه*، زندان‌ها و جز اینها است. حوزهٔ سوم، یعنی روابط مردم با زیست جهان، خود به دو بخش عمده تقسیم می‌شود: نخست روابط مردم با زیست جهان مادی‌شان، که شامل شیوه‌ها، اسلوب‌ها و سبک زندگی از جمله نظام‌های شهرنشینی و شهرسازی (مثلاً مباحث راجع‌به بافت جمعیتی و تقسیمات گروه‌ها و طبقات اجتماعی از جمله مطالعه درباره طبقهٔ حاکم و رعایا و تقسیم مردم به عوام و خواص، کشاورزان، تاجران، صنعتگران، پیشه‌وران، روحانیان، نظامیان، زنان، همچنین گروه‌های کجرو و منحرف اجتماعی و طبقات فرودست مثل گدایان، دزدان، فواحش و بردگان). همچنین معماری دینی و عرفی، مباحث مربوط به نوع مواجهه و رفتار با طبیعت و بافت‌های طبیعی و محیط زیست و امثال اینها است. دوم، روابط مردم با زیست جهان غیرمادی است که دربردارندهٔ آیین‌ها و باورها و آداب و رسوم ناظر بدان‌ها و معتقدات و رفتارهای دینی مردم و نیز مسائل راجع‌به فرهنگ و پرورش و انتقال علوم و معارف و سنن به شیوه‌های گوناگون است. البته این طرز مقوله‌بندی بیشتر بر مبنای تجربه‌های پیشینی است که از مجموعه آثار تولید شده در حوزهٔ تاریخ اجتماعی برآمده و گرنه طبیعی است که می‌توان بر اساس ملاک‌ها و معیارهای متفاوت، مقوله‌بندی‌های مختلفی را برای مطالعه به روش تاریخ اجتماعی پیشنهاد کرد.»[1]

این چارچوب، مبنای تحلیل اطلاعات رجال کشّی در پژوهش حاضر قرار گرفته‌است تا در چهار ساحت اصلی، حیات فرهنگی و اجتماعی شیعیان در سه سدهٔ نخست هجری استخراج و توصیف گردد.

۴. پرسش‌های تحقیق

در این تحقیق پرسش اصلی این است که تاریخ اجتماعی شیعیان در سده‌های متقدم اسلامی با تکیه بر کتاب رجال کشّی چگونه بازتاب یافته‌است؟

از این‌رو سؤال‌های فرعی دیگری نیز مطرح می‌شود که عبارتند از:

---

۱. موسی‌پور بشلی، «تاریخ اجتماعی: رویکری نوین به مطالعات تاریخی»، تاریخ و تمدن اسلامی، ص۱۴۷-۱۴۸.

۱. براساس گزارش‌های رجال کشّی، روابط فرهنگی امامیه با انشعابات درون‌فرقه‌ای چگونه بوده‌است؟

۲. زیست فرهنگی شیعه در سه سدهٔ نخست هجری در رجال کشّی چگونه بازتاب یافته‌است؟

۳. حیات اجتماعی و زندگی روزانهٔ شیعیان در سه سدهٔ نخست هجری چگونه بوده‌است؟

۵. هدف از این تحقیق

اگر چه کتاب رجال کشّی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع در بازشناسی سیر تطوّر اندیشهٔ امامیه شناخته می‌شود، اما تاکنون بر اهمیت آن در تمام حوزه‌های مورد علاقهٔ مطالعات اجتماعی شیعه و شناخت اسلوب فرهنگی آنان توجهی نشده‌است؛ این اثر، با بهره‌مندی از حجم انبوهی از داده‌های متنوع و منحصر به فرد از کنش‌های یاران ائمه‌علیهم‌السلام، که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در گزارش‌ها منعکس شده‌است، ظرفیت فراوانی برای بازسازی تصویری ازجامعهٔ شیعه در عصر حضور دارد.

از جمله ویژگی‌های برجستهٔ این کتاب، نزدیکی تاریخی آن به دورهٔ زندگانی ائمهٔ شیعه‌علیهم‌السلام و یاران ایشان است. افزون بر این، سبک گزارش‌گری توصیفی مؤلف، بر ارزش این اثر در بازنمایی تاریخ اجتماعی شیعه می‌افزاید.

جستار حاضر، براساس چارچوب طرح پژوهشی خود، با تکیه بر کتاب اختیار الرجال ابوعمرو کشّی، به بررسی برخی ابعاد از تاریخ اجتماعی شیعیان امامیه در دورهٔ حضور رهبران شیعه‌علیهم‌السلام تا دورهٔ غیبت صغری خواهد پرداخت تا سهم این اثر را در بازشناسی حیات فرهنگی و اجتماعی شیعه نمایان سازد.

۶. پیشینهٔ تحقیق

تاکنون پژوهشی مستقل در مورد حیات فرهنگی و اجتماعی شیعه با تمرکز بر کتاب رجال کشّی انجام نشده‌است. البته آثار متعددی چه به صورت اختصاصی و چه به صورت پراکنده به معرفی محمد بن عمر کشّی و کتاب او پرداخته‌اند.[۱]

---

۱. برای آشنایی با برخی از این آثار، به بخش شناخت‌نامهٔ کشی در همین اثر رجوع کنید.

عمدهٔ کتاب‌ها،[۱] مقالات[۲] و پایان‌نامه‌هایی[۳] که با محوریّت رجال کشّی تدوین شده‌اند، صرفاً در حوزهٔ دانش رجال و تحلیل‌های مرتبط با جرح و تعدیل راویان قرار می‌گیرند. البته پژوهش‌هایی با محوریّت تاریخ اندیشه و تاریخ کلام امامیه در چند دههٔ اخیر منتشر شده‌است که از مهم‌ترین منابع آنان برای بازشناخت شاخصه‌های جریان‌های فکری امامیه و نوع تعامل

---

۱. از جمله کتاب‌هایی که به بازشناسی جایگاه کتاب کشّی و موضوعات پیرامون آن در حوزهٔ رجال و حدیث پرداخته‌اند: شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰هـ؛ رحمان ستایش، محمد کاظم، آشنایی با کتب رجالی شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵ش؛ همو، بازشناسی منبع رجالی شیعه، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴ش.

۲. از جمله مقالاتی که با تمرکز بر کتاب کشّی به نگارش درآمده‌اند: بهارزاده، پروین، «جستاری در اختیار معرفة الرجال»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره دو، دوره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ش؛ قاسم پور، محسن، «معرفی کتاب رجال کشی به بهانه چاپ جدید»، کتاب ماه دین، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳ش؛ بغدادی، حمید، «قرائة سریعة فی رجال الکشی»، تراثنا، رجب-ذوالحجه ۱۴۳۴هـ؛ حسینی خامنه‌ای، سید علی، مدخل «رجال کشّی»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج۱۹، ۱۳۹۳ش؛ شمشیری، رحیمه، «نگاهی اجمالی بر نحوه تعامل رجالیان با رجال کشی»، حدیث اندیشه، ش۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ش؛ شمشیری، رحیمه و جلالی، مهدی، «عوامل اختلاف در گزارش‌های رجال کشی»، حدیث پژوهی، ش۲۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹ش؛ همو، «تحلیل روایات مختلف مدح و ذم گروهی در رجال کشی»، آموزه‌های حدیثی، ش۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش؛ زرین، الهام و دیگران، «تحلیل انتقادی روایات متعارض کشی در جرح و تعدیل ابن عباس»، حدیث پژوهی، ش۲۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ش؛ کنعانی، سید حسین، «ویژگی های رجالی کتاب اختیار معرفة الرجال»، مشکوة، ش۱۰۷، تابستان ۱۳۸۹ش؛ ملکیان، محمد باقر، «رجال الکشی و نظریه تطور الإمامة»، العقیدة، ش ۱۴، ربیع الاول ۱۴۳۹هـ؛ حسینی شیرازی، سید علیرضا و عزیز وکیلی، طاهر، «بازخوانی گزارش دسّ و تحریف غالیان در پرتو کارکرد فرهنگی نهاد امامت»، امامت پژوهی، ش۱۵، پاییز ۱۳۹۳ش.

۳. پایان‌نامه‌هایی که با محوریت کتاب کشّی به نگارش درآمده‌اند: بهارزاده، پروین، پژوهشی درباره اصحاب اجماع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۱ش؛ کنعانی، حسین، بررسی خصوصیات رجالی کتاب اختیار معرفة الرجال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲ش؛ صادقی‌نیا، اعظم، شناخت و تحلیل الفاظ جرح و تعدیل نزد رجال شناسان شیعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۸ش؛ ادهم، راضیه، جایگاه رجالی کشی، رجال و الفهرست طوسی در تاریخ تشیع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۰ش؛ دهقان، اکرم، بررسی دلالت الفاظ جرح و تعدیل در پرتو کلام امامان علیهم‌السلام در رجال کشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۱ش؛ مقدادیان، پردیس، مفهوم تاریخی تبری در عصر امام جواد علیه‌السلام با تأکید بر رجال کشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۵ش.

این جریان‌ها با یکدیگر، کتاب رجال کشّی است.[۱] روشن است که این‌گونه آثار، به جهت رویکرد اندیشه‌ورزانهٔ خود، به داده‌های مرتبط با حیات اجتماعی و زندگی روزانه شیعیان در رجال کشّی توجهی ندارند.

در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای پر کردن خلأ تاریخ اجتماعی شیعه از نظر مبانی نظری و نیز پژوهش‌های تاریخی صورت گرفته‌است. در حوزهٔ روش‌شناسی، اثر تازه‌انتشار تاریخ اجتماعی شیعیان: مفاهیم و کلیات از دکتر الویری، از منابع الهام‌بخش این پژوهش بوده‌است.

در حوزهٔ جستارهای تاریخی، پایان‌نامهٔ دکتری سعید طاووسی مسرور با عنوان «تاریخ اجتماعی شیعه در پنج قرن اول هجری براساس رجال نجاشی» و نیز پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد سید محمدمهدی موسوی‌نیا با عنوان «تاریخ اجتماعی شیعه ناظر بر الکافی» از جمله آثار راه‌گشا برای نگارندهٔ این پژوهش بوده‌اند.

تمایز جستار حاضر با آثار یادشده، تمرکز آن بر کتاب کشّی، پیشتازی زمانی این اثر نسبت به رجال نجاشی، و نیز پرداختن به کنش‌های اجتماعی عملی شیعیان است؛ در حالی که پژوهش موسوی‌نیا بیشتر به حوزه‌های انتزاعی توجه دارد.

۷. آشنایی با ابوعمرو کشّی و کتاب *الرجال* وی

۷-۱. شناخت‌نامه ابوعمرو کشی

نام او شیخ ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشّی است. برای آغاز شناخت از وی، می‌توان به دو گزارش برجای‌مانده در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی، به‌عنوان کهن‌ترین منابع، استناد کرد.

نجاشی در ترجمهٔ وی می‌نویسد:

---

۱. مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه: هاشم ایزد پناه، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۹۳ش؛ گرامی، سید محمدهادی، نخستین مناسبات فکری تشیع: بازخوانی مفهوم غلو در اندیشه جریان‌های متقدم اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۱ش؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر سبحانی، محمد تقی، جستارهایی در مدرسه کلامی کوفه، قم: انتشارات دار الحدیث، ۱۳۹۶ش؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر سبحانی، محمد تقی، جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۹۵ش.

«محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشّی، ابوعمرو. وی ثقه و مورد اعتماد است، اما از ضعفا بسیار روایت کرده. او از همراهان عیاشی و از شاگردان او به شمار می‌رود که در منزل وی ــ که محفل اهل علم از شیعیان بود ــ پرورش یافت. کتاب الرجال تألیف اوست، که علم مفیدی در آن نهفته‌است، هرچند اغلاط فراوانی نیز در آن وجود دارد.»[1]

شیخ طوسی نیز در فهرست دربارهٔ وی چنین می‌نویسد:

«محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشّی، ابوعمرو، ثقه، آشنا با اخبار (تاریخی) و رجال، و صحیح در اعتقادات است. کتاب الرجال تألیف اوست.»[2]

همین مضمون در رجال شیخ طوسی با تعبیر دیگری آمده‌است.[3]

ابن شهرآشوب نیز در شرح حال وی می‌نویسد:

«محمد ابوعمرو بن محمد بن عمیر بن عبدالعزیز کشّی از شاگردان عیاشی است و کتاب معرفة الناقلین عن الائمة الصادقین از او به جا مانده‌است.»[4]

در منابع تاریخی، گزارشی دقیق از تاریخ ولادت و وفات ابوعمرو کشّی ثبت نشده‌است؛ با این حال براساس طبقهٔ مشایخ و شاگردان وی، می‌توان تا حدودی دورهٔ زندگانی او را بدست آورد. یکی از مهم‌ترین استادان او، محمد بن مسعود عیاشی است؛ و در میان شاگردانش، دو محدّث برجسته دیده می‌شوند؛ نخست ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری (متوفای ۳۸۵ق) که کتاب الرجال کشّی به واسطهٔ او برای شیخ طوسی دستیاب شده‌است؛[5] دوم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۸ق) که الرجال کشّی به واسطهٔ او به نجاشی رسیده‌است.[6] از آنجا که ابن قولویه، هم‌زمان شاگرد ابوعمرو کشّی و شیخ کلینی (د: ۳۲۹هـ) بوده‌است، می‌توان نتیجه گرفت که کشّی از معاصران و هم‌طبقهٔ محمد بن یعقوب کلینی (د: ۳۲۹هـ)، صاحب کتاب

---

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص۳۷۲، ش۱۰۱۸.
۲. طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص۴۰۳، ش۶۱۵.
۳. طوسی، الرجال، ص۴۴۰، ش۶۲۸۸.
۴. ابن‌شهرآشوب، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و أسماء المصنفین منهم قدیما و حدیثا، ص۱۰۱، ش۶۷۹.
۵. طوسی، الرجال، ص ۴۴۹، ش۶۳۸۶؛ همو، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص۴۰۳، ش۶۱۵.
۶. نجاشی، رجال النجاشی، ص۳۷۲، ش ۱۰۱۸.

الکافی، است. بر این اساس، به احتمال قوی وی در ربع آخر سدهٔ سوم و نیمهٔ نخست سدهٔ چهارم هجری می‌زیسته‌است.[۱]

۷-۱-۱. منطقهٔ جغرافیایی «کَشّ»

در آثار جغرافی‌دانان و لغویان مسلمان، دربارهٔ تعیین موقعیت دقیق خطّهٔ «کَشّ» نظرات متفاوتی بیان شده‌است. ابن ماکولا (د: از ۴۷۰ تا ۴۸۶هـ)، یاقوت حموی (د: ۶۲۶هـ) و زبیدی (د: ۱۲۰۵هـ) معتقدند که «کَسّ» شهری در نزدیکی سمرقند است و تلفظ آن با «شین» (کَشّ) نادرست و ناشی از تصحیف است. ابن ماکولا تصریح می‌کند که وقتی از رود جیحون عبور کرده و به سمت بخارا و سمرقند می‌روید، همه ساکنان آن نواحی «کَسّ» تلفظ می‌کنند.[۲] همو به نقل از ابوالحسن عتیقی آورده‌است که وی نسبت «الکَشّی» را رد کرده و آن را تصحیفی از «الکَسّی» دانسته‌است. زبیدی نیز بر قرائت آن با «کاف مکسوره» (کِسّ) تأکید می‌ورزد و هر تلفظ دیگری را تصحیف می‌داند.[۳]

هر سه لغت‌شناس منطقهٔ «کَشّ» را ناحیه‌ای در نزدیکی جرجان معرفی کرده‌اند. برای نمونه، ابن ماکولا دربارهٔ «ابوزرعه محمد بن یوسف بن محمد بن الجنید الجنیدی الکشّی الجرجانی» گوید که پدرش اهل کشّ بوده، شهری که بر کوهی معروف و در سه فرسنگی جرجان قرار داشته‌است؛ همو در ادامه می‌افزاید که حمزهٔ سهمی (د: ۴۲۸هـ) نیز به این مطلب اشاره کرده‌است.[۴] یاقوت حموی و زبیدی نیز جغرافیای «کَشّ» را سه فرسنگی جرجان ضبط کرده‌اند.[۵]

در مقابل، سمعانی (د: ۵۶۲هـ) نظر دیگری دارد. او نسبت «کَشّی» را به شهری در ورارود نسبت می‌دهد و آن را در نزدیکی نَخشَب معرفی می‌کند. وی همچنین تأکید دارد که حافظان و مورخان، این شهر را «کِسّ» خوانده‌اند.[۶]

همین اختلاف در میان محدّثان نیز دیده می‌شود. میرداماد (د: ۱۰۴۱هـ) «کَشّ» را شهری

---

۱. رحمان‌ستایش و جدیدی نژاد، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۳۶۹.
۲. ابن ماکولا، الإکمال فی رفع الإرتیاب عن المؤتلف و المختلف فی الأسماء و الکنی و الأنساب، ج۷، ص۱۸۵.
۳. زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج۸، ص۴۴۶.
۴. ابن ماکولا، الإکمال فی رفع الإرتیاب عن المؤتلف و المختلف فی الأسماء و الکنی و الأنساب، ج۷، ص۱۸۶.
۵. زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج۹، ص۱۸۵؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج۴، ص۴۶۰.
۶. سمعانی، الأنساب، ج۵، ص۷۰.

مشهور در مسیر سمرقند می‌داند که بسیاری از مشایخ، رجال و علمای شیعه از آن برخاسته‌اند و قرائت آن به صورت «کُشّ» را غلط رایجی در میان عوام و طلاب می‌شمارد؛ همچون تلفظ نادرست نام نجاشی با تشدید. وی در الرواشح السماویة به نادرستی دیدگاه فیروزآبادی مبنی بر قرار داشتن «کَشّ» در نزدیکی جرجان اشاره می‌کند و در پایان می‌افزاید: حتی اگر نظر فیروزآبادی درست باشد، باز هم نسبت «کَشّی» به آن خطّه صحیح نیست؛ چراکه در میان اهل علم فردی با این نسبت در آن خطّه شناخته نشده‌است. اما «کَشّ» در ورارود خاستگاه کسانی چون «ابوعمرو کشّی» صاحب الرجال، استادش «حمدویه بن نصیر کشّی»، و استاد دیگرش «محمد بن مسعود عیاشی» است.[۱] محدث نوری (د: ۱۳۲۰هـ) نیز بر درستی نظر میرداماد تأکید می‌کند و استدلال خود را بر پایهٔ انتساب مشایخ ابوعمرو کشّی، از جمله عیاشی که مدرسه‌ای در سمرقند داشته، قرار می‌دهد.[۲]

در نقطهٔ مقابل، گروهی از محدّثان مانند طُریحی (د: ۱۰۸۵ یا ۱۰۸۷)، خوانساری (د: ۱۳۱۳هـ) و مامقانی (د: ۱۳۵۱هـ) روستای «کَشّ» را در حوالی جرجان دانسته و شهر «کَسّ» را در نزدیکی سمرقند معرفی کرده‌اند. از این‌رو، آنان انتساب لقب «کشّی» به خطّهٔ ورارود را از نظر عرف عرب نادرست می‌دانند.[۳]

با توجه به مجموع دیدگاه‌ها، به نظر می‌رسد دیدگاه زبیدی، میرداماد و محدث نوری از قوت بیشتری برخوردار باشد. دلایل این ارجحیت عبارت‌اند از:

الف) بیشتر مشایخ برجستهٔ ابوعمرو کشّی منسوب به شهرهای ورارود هستند؛ در حالی که عالمان جرجان، معمولاً برای تحصیل علوم دینی به شهرهای مرکزی چون ری و بغداد سفر می‌کردند. از این‌رو، تعلق اساتید کشّی به ورارود، احتمال تولد او در همان خطّه را تقویت می‌کند.

ب) مهم‌ترین استاد ابوعمرو کشّی، «ابوالنضر محمد بن مسعود عیاشی»، متعلق به خطّهٔ سمرقند است. نجاشی و طوسی نیز از کشّی با تعبیرهایی چون «من غلمان عیاشی» و «صحب العیاشی» یاد کرده‌اند.[۴] این قرائن نیز تعلق کشّی به‌خطّهٔ ورارود را تقویت می‌کند.

---

۱. میرداماد، تعلیقات میرداماد بر رجال کشّی، ج۱، ص۵.
۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج۲۱، ص۲۹۰-۲۹۱.
۳. رحمان ستایش، آشنایی با کتب رجال شیعه، ص۹۰.
۴. نجاشی، رجال النجاشی، ص۳۷۲، ش۱۰۱۸؛ طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص۴۰۳، ش۶۱۵.

ج) بنا به گفتهٔ میرداماد، بیشتر راویان منسوب به «کَشّ» در میـان شـیعیان، متعلـق بـه خطّـهٔ ورارود هستند، در حالی که انتساب «کَشّ» به جرجان بیشتر در میان اهل سنت دیده مـی‌شـود. بنابراین، اصل اولیه در انتساب دانشیان شیعه، منطقهٔ ورارود است.[۱]

با توجه به دلایل پیش‌گفته، می‌توان نتیجه گرفت که زادگاه «ابوعمرو کشّی»، شـهری بـا نـام «کَشّ» در میان مسیر بخارا و سمرقند و در جانب نَخشَب قرار داشته‌است؛ شهری که امـروزه در کشور ازبکستان با نام «شهر سبز» شناخته می‌شود و در روزگار سامانیان و تیموریـان، در حـدود پنج سده، ازمراکز حکومتی آن دوران به شمار می‌رفت.

«کَشّ» یکی از بزرگ‌ترین و آبادترین شهرهای ورارود به شـمار مـی‌آمـد. منـابع تـاریخی از زیبایی، جمعیت بالا و رونق اقتصادی آن سخن گفته‌اند. به‌ویژه به دلیل وجود دو رودخانه بزرگ «قَصارین» و «اسروذ»، این خطّـه از آب‌وهـوایی مطلـوب بهره‌منـد بـوده و صـادراتی همچـون میوه‌های مرغوب داشته‌است. همچنین در منابع، از وجود معادن نمک در این خطّه یاد شده کـه محصول آن به شهرهای دیگر تجارت می‌شد.[۲]

شایان توجه‌است که در روزگار حیـات ابـوعمرو کشّـی در سـدهٔ چهـارم هجـری، سـامانیان (حک: ۳۹۵-۲۰۴هـ) بر ورارود حکومت می‌کردند و این دیار به‌عنوان یکی از قطب‌های تمدن اسلامی و از مهمترین مراکز علوم اسلامی به شمار می‌رفت.[۳]

۷-۱-۲. شخصیت و حیات علمی

۷-۱-۲-۱. مشایخ ابوعمرو کشّی

ابوعمرو کشّی به مانند دیگر طالبان دانش به شاگردی اساتید بسیاری پرداخت و در محضر ایشان بـه سماع و قرائت احادیث مشغول گردیـد، در ایـن بخـش بـه ذکـر مشـایخ او براسـاس آنچـه مرحـوم مصطفوی در مقدمهٔ خود بر رجال کشّی منعکس کرده پرداخته خواهد شد؛ علاوه‌بر این، در پانویس به شرح حال هر یک از مشایخ در کتب رجالی نظری داشته و تعلیقـات در اسـناد رجـال کشّـی کـه باعث توهم اخذ حدیث ابوعمرو کشّی از برخی از این افراد شده مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

---

۱. میرداماد، الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة، ص۷۶.
۲. ادریسی، نزهة المشتاق فی إختراق الآفاق، ج۱، ص۵۰۰.
۳. اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج۲، ص ۱-۸.

آدم بن محمد قلانسی بلخی:[۱] ش۴۳، ش۳۳۸، ش۹۵۱، ش۹۵۴ و ش۱۰۱۷.
ابراهیم بن علی کوفی سمرقندی:[۲] ش۴۴۸ و ش۵۵۲.
ابراهیم بن محمد بن العباس خُتَّلی:[۳] ش۳، ش۲۰۲، ش۲۱۳، ش۳۷۸، ش۵۵۵ و ش۶۲۲.
ابراهیم بن مختار بن محمد بن عباس:[۴] ش۹۱۶.
ابراهیم بن نصیر کشّی:[۵] ش۴، ش۱۲، ش۴۱، ش۵۰، ش۵۱ و ش۵۸.
ابراهیم ورّاق سمرقندی:[۶] ش۴۸۱.
ابوالحسن بن ابی‌طاهر:[۷] ش۷۷۰.
ابوسعید بن سلیمان: ش۶۹۸.
ابوعمرو بن عبدالعزیز:[۸] ش۹.
ابومحمد شامی دمشقی:[۹] ش۴۶۳ و ش۷۶۹.

---

۱. بنا به نقلی از شیخ طوسی احتمالاً وی از اهل تفویض بوده است. طوسی، الرجال، ص۴۰۷، ش۵۹۲۴.
۲. شیخ طوسی به زهد و علم وی اشاره کرده و او را از مقیمان سمرقند معرفی کرده است. افزون‌بر این، بنا به نقل وی نصر بن احمد سامانی و دیگر سلاطین سامانی، این راوی را مورد اکرام خود قرار داده اند. طوسی، الرجال، ص۴۰۷، ش۵۹۲۰.
۳. وی روایاتی از علی بن الحسن فضّال، سعد بن عبدالله اشعری و دیگر راویان قمی اخذ کرده و شیخ طوسی او را فردی صالح معرفی کرده است. طوسی، الرجال، ص۴۰۷، ش۵۹۲۵.
۴. مرحوم خویی ظاهر را بر اتحاد بین محمد بن ابراهیم بن عباس الختلی و او بیان کرده‌اند. خوئی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج۱، ص۲۷۰.
۵. طوسی او را ثقه، قابل اعتماد و پرروایت معرفی کرده است. طوسی، الرجال، ص۴۰۷، ش۵۹۳۳.
۶. به نظر نام درست وی محمد بن ابراهیم الوارّق باشد. نک: کشّی، إختیار معرفة الرجال، ص۱۴۳ و ۲۶۷، ش۲۲۴ و ۴۸۱.
۷. نام او علی بن الحسین بن علی، کنیه و شهرتش اباالحسن بن ابی‌طاهر الطبری است. طوسی او را از اهل سمرقند، ثقه و وکیل شمرده است؛همچنین با اندک اختلافی در مدخلی دیگر او را از شاگردان عیاشی معرفی کرده است. طوسی، الرجال، ص۴۲۹-۴۵۲، ش۶۱۶۲ و۶۴۱۷.
۸. او خود کشّی است «محمد بن مسعود العیاشی و ابوعمرو بن عبدالعزیز، قالا:حدثنا محمد نصیر» و مرحوم مصطفوی به اشتباه این گونه متوجه شده‌اند که وی از راویان معاصر با عیاشی است. شوشتری، قاموس الرجال، ج۲، ص۳۳۵، ش۱۱۲۶.
۹. نام او عبدالله بن محمد و کنیه‌اش ابومحمد الشامی الدمشقی است، وی از احمد بن محمد بن عیسی اشعری و دیگران روایت کرده است؛ روایات وی از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری قمی از مستثنیات ابن ولید به شمار می‌رود. رک: طوسی، الرجال، ص۴۰۱ و ۴۳۳، ش ۵۸۷۸ و ۶۲۰۱؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص۳۴۸، ش۹۳۹.

ابوبکر احمد بن ابراهیم سنسنی: ش۱۱۴۸.
ابوجعفر احمد بن ابراهیم قرشی: ش۷۱۵.
احمد بن علی قمی سلولی شقران:[۱] ش۴۹، ش۹۹۰ و ش۱۰۹۵.
احمد بن علی بن کلثوم سرخسی:[۲] ش۱۰۱۸، ش۱۰۸۴ و ش۱۰۸۷.
ابوالحسن احمد بن محمد خالدی: ش۴۷۷.
احمد بن منصور خزاعی:[۳] ش۷۱۴ و ش۷۳۴.
ابوعلی احمد بن یعقوب بیهقی:[۴] ش۱۰۲۸.
جبرئیل بن احمد فاریابی:[۵] ش۷، ش۱۳، ش۲۱، ش۲۶ و ش۲۷.
جعفر بن احمد بن ایّوب سمرقندی:[۶] ش۶۶۳ و ش۷۹۲.
ابوعبدالله جعفر بن محمد رازی خواری:[۷] ش۴۶.

---

۱. وی مقیم کش و اهل سفر در بلاد مختلف بود. طوسی، الرجال، ص۴۰۷، ش۵۹۲۹.
۲. او از اهل سرخس و متهم به غلو است. همان، ص۴۰۷، ش۵۹۲۳.
۳. بنابر ظاهر آنچه در کتاب کشّی وجود دارد، ابوعمرو کشّی وی را درک نکرده، بلکه از طریق عیاشی به میراث او دست یافته است. این اشتباه یا به دلیل سقوط واسطه یا تعلیق در متن اتفاق افتاده؛ وی در طبقهٔ اصحاب امام رضا علیه السلام قرار دارد. رک: کشّی، إختیار معرفة الرجال، ص۱۲، ۳۹، ۱۷۱، ۱۹۱، ۳۷۱، ۳۷۴ و ۴۴۹، ش۲۸، ۸۱، ۲۸۹، ۳۵۱، ۶۹۲، ۷۰۱ و ۸۴۶؛ طوسی، الرجال، ص۳۶۶، ش۵۴۴۴.
۴. نام و کنیهٔ وی ابانصر احمد بن یعقوب السنائی است، وی از شاگردان عیاشی است و برای او تصانیفی ذکر کرده‌اند. طوسی، الرجال، ص۴۰۷، ش۵۹۲۸.
۵. وی مقیم کش بوده و روایات بسیاری از علماء عراق، قم و خراسان اخذ کرده است. کشّی به واسطهٔ عیاشی روایات فراوانی را از او نقل کرده است. نک: کشّی، إختیار معرفة الرجال، ص۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۱ و ۱۹۹؛ ش۲۲۸، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۶۵ و ۳۵۰؛ طوسی، الرجال، ص۴۱۸، ش۶۰۴۲.
۶. به نظر، کشی او را درک نکرده است و به واسطهٔ عیاشی یا طاهر بن عیسی از او روایت کرده و به علت تعلیق یا سقوط واسطه در اسناد این اشتباه رخ داده است. نجاشی او را صحیح در حدیث و مذهب معرفی کرده است، همو اشاره کرده که عیاشی از او نقل روایت نموده است. شیخ طوسی او را از اهل سمرقند و از متکلمان امامی برشمرده که آثاری نیز تالیف کرده بود. کشّی، إختیار معرفة الرجال، ص۱۵، ۵۵، ۱۰۵، ۱۴۵، ۱۸۶، ۳۳۵، ۳۶۹، ۳۸۴ و ۶۰۶، ش۳۴، ۱۰۵، ۱۶۸، ۲۳۰، ۳۹۲، ۶۱۴، ۶۸۹، ۷۱۸ و ۱۱۲۸؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۲۱، ش ۳۱۰؛ طوسی، الرجال، ش ۶۰۴۰.
۷. کشّی او را از شیوخ عامی مذهب مقیم جرجان معرفی کرده است. ظاهراً کشی از او به طور مستقیم روایت نقل نکرده، بلکه به واسطهٔ علی بن محمد القتیبی روایت او به کشّی رسیده است. کشّی، إختیار معرفة الرجال، ص۷، ۳۳ و ۱۲۴، ش۱۶، ۶۴ و ۱۹۶.

ابومحمد جعفر بن محمد بن معروف:[۱] ش ۵۳، ش ۶۰، ش ۶۱ و ش ۸۹.
حسین بن حسن بن بندار قمی:[۲] ش ۱۱۱، ش ۱۷۵، ش ۲۱۸، ش ۲۲۰.
ابوجعفر حمدان بن احمد قلانسی:[۳] ش ۲۶۴، ش ۲۹۲، ش ۷۵۷.
حمدویه بن نصیر کشّی:[۴] ش ۱، ش ۴، ش ۱۲، ش ۱۵.
ابوصالح خالد بن حامد:[۵] ش ۱۰۷۶.
ابوصالح خلف بن حماد بن ضحاک کشّی: ش ۳۹، ش ۲۵۸، ش ۳۹۰، ش ۴۴۵.
خلف بن محمد ملقب به منّان کشّی: ش ۶۲ تا ش ۶۵.
سعد بن صباح کشّی:[۶] ش ۴۲۲.
طاهربن عیسی ورّاق کشّی:[۷] ش ۲۳، ش ۳۴، ش ۳۵ و ش ۱۵۳.

---

۱. شیخ طوسی او را ابامحمد جعفر بن معروف معرفی می‌کند؛ او را اهل کشّ و از وکلا شمرده‌اند. براساس اسناد روایی، وی در زمان امام هادی و امام عسکری علیهما السلام می‌زیسته واز قرائن برمی‌آید که کشی به واسطهٔ استادش عیّاشی از او نقل روایت کرده است. طوسی، تهذیب الاحکام، ج۴، ص۸۱.

۲. وی نزد سعد بن عبدالله اشعری شاگردی کرده و کشی گزارش‌هایی از او نقل کرده است. طوسی، الرجال، ص۴۲۵، ش۶۱۱۶.

۳. ظاهراً کشی به واسطهٔ عیاشی از او نقل روایت کرده و علت خلط او به‌عنوان مشایخ کشّی سقوط واسطه یا تعلیق در اسناد است؛ نجاشی او را کوفی و مضطرب الحدیث معرفی کرده است، همچنین ابن غضائری او را ضعیف و راوی از ضعفا شناسانده است؛ با این حال کشّی در گزارش ۱۰۱۴ گوید: از عیاشی در مورد محمد بن احمد النهدی یا همان حمدان قلانسی پرسیدم؛ پس عیاشی وی را فقیه، ثقه، از خیار شیعه و اهل کوفه معرفی کرد. رک: کشّی، إختیار معرفة الرجال، ص۶۷، ۲۳۲، ۲۹۴، ۴۰۱، ۴۴، ۴۴۳، ۵۶۳، ۵۶۷ و ۶۱۴، ش۱۲۱، ۴۲۱، ۵۱۹، ۷۴۷، ۷۵۷، ۸۳۲، ۱۰۶۴، ۱۰۷۴ و ۱۱۴۵؛ ابن غضائری، الرجال، ص۹۶-۹۷؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۴۱، ش ۹۱۴.

۴. حمدویه بن نصیر بن شاهی، از یعقوب بن یزید سماع حدیث کرده است و عیاشی از او روایت نموده است. شیخ طوسی او را عالم و محدثی برجسته و با اعتقاداتی نیک وبی‌مانند در زمانش خوانده است. طوسی، الرجال، ص۴۲۱، ش۶۰۷۴.

۵. احتمالا نام او تصحیف خلف بن حماد باشد. چه‌آنکه هردو در نام پدر و کنیه و مشایخ مشترک هستند، افزون‌بر این شیخ طوسی خلف بن حماد را از اهالی کشّ معرفی کرده است. کشّی، إختیار معرفة الرجال، ص ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۴۳ و ۵۶۸، ش۳۸۰، ۳۹۰، ۴۴۵ و ۱۰۷۶؛ طوسی، الرجال، ص۴۲۶، ش۶۱۲۴.

۶. به احتمال نام او تصحیف سعد بن جناح است. نک: کشّی، إختیار معرفة الرجال، ص۲۳۶ و ۵۳۷؛ ش۴۲۹ و ۱۰۲۳.

۷. وی از اهل کش بوده و کتب بسیاری برای او برشمرده‌اند. طوسی، الرجال، ص۴۲۸، ش۶۱۵۵.

عبدالله بن محمد بن خالد طیالسی: ش ۳۸۰، ش ۳۹۱، ش ۷۶۲.
عبید بن محمد نخعی شافعی سمرقندی: ش ۱۱۷.
عثمان بن حامد کشّی:[۱] ش ۱۲۸، ش ۱۹۸، ش ۱۹۹ و ش ۳۰۷.
علی بن حسن: ش ۴۵ و ش ۳۰۱.
علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری:[۲] ش ۱۶، ش ۳۸، ش ۵۴، ش ۵۶.
علی بن یزداد صائغ جرجانی: ش ۱۰۹.
ابوالحسن عمر بن علی تفلیسی: ش ۲۰۵.
ابوعبدالله محمد بن ابراهیم ورّاق:[۳] ش ۷۹، ش ۲۲۴ و ش ۴۲۳.
محمد بن ابی‌عوف بخاری:[۴] ش ۲، ش ۴۸ و ش ۵۷.
محمد بن احمد بن شاذان:[۵] ش ۴۰۸.
محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری:[۶] ش ۱۷، ش ۱۸، ش ۳۵۶ و ش ۸۱۷.
محمد بن بحر کرمانی دهنی نرماشیری:[۷] ش ۲۳۵.

---

۱. کنیه وی اباسعید الوجینی است. شیخ طوسی او را از ثقات و از اهالی کش معرفی کرده است. همان، ص۴۲۹، ش۶۱۶۳.
۲. نجاشی از اعتماد ابوعمرو کشّی بر وی گزارش کرده است. همو علی را از ملازمان فضل بن شاذان و راوی آثار وی شناسانده است. نجاشی، رجال النجاشی، ص۲۵۹، ش۶۷۸.
۳. طوسی او را از اهالی سمرقند معرفی کرده است. طوسی، الرجال، ص۴۴۰، ش۶۲۸۳.
۴. وی از اهل بخارا بود، از او با عنوان مصاحب عیاشی یاد کرده‌اند و بر وی اعتماد شده است. همان، ص۴۴۰و ۴۵۱، ش۶۴۰۸و ۶۲۸۷.
۵. ظاهراً کشی با واسطه از او نقل روایت کرده است؛ اما به علت تعلیق یا حذف واسطه در اسناد به‌عنوان مشایخ کشی معرفی شده است. شیخ طوسی در اصحاب امام عسکری علیه‌السلام نامی از محمد بن احمد بن نعیم ابوعبدالله الشاذانی النیسابوری آورده است؛ اما مرحوم خویی بر اتحاد این فرد با محمد بن احمد بن شاذان حکم داده اند در نتیجه واسطه ساقط شده است. همان، ص۴۰۲، ش۵۸۹۷؛ خوئی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة ، ج۱۶، ص۲۶.
۶. طوسی، الرجال، ص۴۴۰، ش۶۲۸۰.
۷. کنیه و شهرتش ابوالحسین شیبانی و از متکلمان امامی و عالم به اخبار و احادیث بود؛ نجاشی او را از اهل نرماشیر کرمان و طوسی وی را از اهالی سجستان معرفی می‌کند. شیخ طوسی و ابن غضائری وی را متهم به غلو دانسته‌اند؛ اما نجاشی گوید، بعض از اصحاب او را غالی دانسته‌اند؛ اما احادیث او سالم است و من نمی‌دانم از کجا چنین صحبتی به میان آمده است. رک: ابن غضائری، الرجال، ص۹۸؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص۳۸۴، ش۱۰۴۴؛ طوسی، الرجال، ص۴۴۷، ش۶۳۵۶.

محمد بن بشر: ش ۳۲۱.

محمد بن حسن براثی:[۱] ش ۵۵، ش ۱۶۷ و ش ۳۰۷.

محمد بن حسن بن بندار قمی: ش ۲۰۶، ش ۳۹۶ و ش ۹۵۷.

محمد بن حسن کشّی: ش ۱۲۸، ش ۱۹۸، ش ۱۹۹ و ش ۳۲۷.

محمد بن حسین بن أحمد فارسی: ش ۸۲۷.

محمد بن حسین بن محمد هروی: ش ۱۰۲۷ و ۱۰۲۸.

ابوسعید محمد بن رشید هروی:[۲] ش ۵۰۶.

ابوالحسن محمد بن سعد بن مزید کشّی:[۳] ش ۲، ش ۴۸، ش ۵۷، ش ۱۰۹۷ و ش ۱۱۳۱.

محمد بن علّی بن قاسم بن أبی‌حمزه قمی: ش ۷۰۹ و ش ۱۰۵۱.

محمد بن قولویه قمی:[۴] ش ۲۰، ش ۱۱۱، ش ۱۷۰ و ش ۱۷۱.

محمد بن مسعود عیّاشی سمرقندی:[۵] ش ۵، ش ۶، ش ۹، ش ۱۴ و ش ۲۲۰.

محمد بن یحیی فارسی:[۶] ش ۹۲۱.

ابوالقاسم نصر بن صباح بلخی:[۷] ش ۸، ش ۴۲، ش ۴۴ و ش ۱۲۵.

---

۱. فرد دیگری به نام محمد بن الحسن البرنانی وجود دارد که طوسی او را به غیر از براثی ذکر کرده است؛ شوشتری علت آن را رویهٔ شیخ در بازگویی برای کشف توحید مختلفات بیان کرده است حتی اگر اشتباه باشد. طوسی، الرجال، ص۴۴۷، ش۶۳۴۷؛ شوشتری، قاموس الرجال، ج۹، ص۱۹۳، ش۶۵۷۳.

۲. به نظر سقطی در سند گزارش ۵۰۶ اتفاق افتاده است و کشّی، محمد بن رشید را درک نکرده، همان‌گونه که شیخ طوسی با سه واسطه از او نقل روایت کرده است. طوسی، الأمالی، ص۴۹، ش۳۲.

۳. او از اهل کش و فردی صالح واستوار در عقیده شمرده شده است. طوسی، الرجال، ص۴۴۰، ش۶۲۸۶.

۴. لقب او را مَسلَمة بیان کرده‌اند؛ محمد از همنشینان سعد بن عبدالله اشعری و پدر جعفر صاحب کتاب کامل الزیارات است. همان، ص۴۳۹، ش۶۲۷۲؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص۱۲۳، ش۳۱۸.

۵. وی بزرگ‌ترین استاد ابوعمرو کشّی و طلایه‌دار مکتب تشیع در منطقهٔ ورارودان بود؛ پیش‌از این در شناختنامه کشّی از تلاش‌های او در پرورش دانشوران شیعه سخن به میان آمد. نجاشی، رجال النجاشی، ص۳۵۲، ش۹۴۴.

۶. در گزارش ۷۷۰، کشّی با واسطه از او روایت کرده است که این خود محل تأمّل است. شیخ طوسی به سفرهای فراوان او برای اخذ حدیث از محدثان به مناطق مختلف جغرافیای اسلامی اشاره کرده است. طوسی، الرجال، ص۴۳۹، ش۶۲۷۶.

۷. کشّی، ابن غضائری و نجاشی او را از غلات شمرده‌اند؛ اما شیخ طوسی با عبارت «قیل» در انتصاب وی به جریان غلو تردید کرده است. کشّی، إختیار معرفة الرجال، ص۱۸ و ۳۲۲، ش۴۲ و ۵۸۴؛ ابن غضائری، الرجال، ص۱۲۰؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص۴۲۸، ش۱۱۴۹؛ طوسی، الرجال، ص۴۴۹، ش۶۳۸۵.